

پاره‌ها و نکت‌های میراث مکتوبی

جويا جهانبخش

گنجینه

۲۰

سال اول، شماره پنجم و ششم، ۱۳۸۵

دعوت به نشر متون سخیف!

سری به راسته کتابفروشان جلو دانشگاه طهران بزیند. همه گونه کتابی می‌بینید: منشورات وزین؛ تألیفات ثمین محققانه؛ قلم اندازهایی که نه چاپ خوبی دارند، نه مطلبی گیرا؛ دفترهای شعری که شاید جز سراینده‌شان کمتر کسی آنها را ورق زده باشد؛ و ...!

این تنوع و گوناگونی محصولات فرهنگی مکتوب که امروز هست، در روزگاران پیش نیز بوده - البته احتمالاً نه بدین گستردگی و فراخ دامنگی. در قدیم هم در کنار تصانیف بدیع و متین و بی‌بدیل، گاه تألیفات بارد و کم مایه چهره می‌نمود. نسخه پردازی‌ها مختلف بود و کتابت‌ها گوناگون کاتبی فاضل و دقیق و امین بود. آن دیگری، بی‌دانش و بی‌امانت و سهل انگار. نسخه‌ای مقابل و بازبینی می‌شد و أحياناً آن را با دستنویست مؤلف هم مطابقت می‌دادند. نسخه دیگر شتابزده کتابت می‌شد و از همین رهگذر در آن نادرستیها و افتادگیهای بسیار به هم می‌رسید. ... فی الجمله، تنوع و تفاوت در کار بود، و این تنوع و تفاوت را در نسخه‌های خطی پُر شماری که در کتابخانه‌ها نگاهداری می‌شود بروشنی می‌توان ملاحظه کرد.

طبیعی است هر چه نسخه اصیل‌تر و قدیم‌تر و سالم‌تر و خوشخوان‌تر و خوش‌خط‌تر باشد، بیشتر و بهتر به

کار پژوهندگانی بیاید که می‌خواهند صورت اصلی و دست ناخورده عبارت‌ی را از آن بازیابند یافتن کاملش را به انتشار برسانند. اگر نسخه به خط مؤلف باشد که دیگر «نور علی نور» است، ای بسا مصحح یا محقق که فلان کتاب را مقفود می‌پنداشت یا نسخه قدیم و صحیحی از آن نمی‌یافت، می‌باید با یافتن دستنویستی که نه و صحیح و معتبر از متن مطلوب خود در پوست نگنجد و شاهد مقصود را در آغوش کشد؛ اما ...

اما، این به شرطی است - که گوش شیطان کرا! - بعض متصدیان برخی کتابخانه‌ها آغاز «منع خیر» نفرمایند!!! ... آشناترین صورت «منع خیر» چیست؟! ... هیچ! به شما گفته می‌شود: نسخه‌ای که تصویر آن را درخواست کرده‌اید «نفیس» است و چون از «نفائس» کتابخانه به شمار می‌رود تصویر آن در اختیار شمار قرار نخواهد گرفت!!

عجبا!... به این ممانعت کنندگان محترم گوشزد باید کرد که:

اولاً، اموال فلان کتابخانه عمومی - چنان که از نامش پیداست - از آن «عموم» است، و از قضا، کتابخانه عمومی را نهاده‌اند تا بهره‌وری از کتاب برای همگان سهل باشد و به فلان مجموعه‌دار خاص یا بهمان مالک مجموعه شخصی اختصاص نیابد. چگونه کتابخانه‌ای که

کتابهایش برای ملت ایران و به هزینه ایشان خریداری و سپس حفظ و نگهداری می‌شود، یا کتابخانه‌ای که واقفان کتابهایش آنها را برای استفاده همگان و ارتقاء سطح دانش و معرفت عموم وقف کرده‌اند، به خود اجازه می‌دهد صاحبان حق را از حق چون و چرا ناپذیرشان بازدارد و اموال همگانی را به یک شیء موزه‌ای کم فائدت - و یا: لا ینفع - بَدَل کند؟! چه مجوزی وجود دارد که فلان و بهمان کتابخانه همگانی و ملی، نسخه‌ای را از یک مصحح، یک پژوهنده، یک دانشجو و بلکه یک ایرانی، دریغ کند؟! می‌توان خاطرات صدها مصحح و محقق را باز پرسید و نمونه‌های فراوان از چنین ممانعت‌های ناموجه سلیقه‌ای باز جست.

ثانیاً، از بن، همین نفیس و نادر بودن نسخه‌هاست که آنها را درخور طلب و مطالعه و تحقیق و بررسی می‌کند. اگر نسخه‌ای پیش پا افتاده و بی اهمیت باشد که اصلاً حاجتی به عکس برداشتن از آن و تحقیق و تصحیح‌اش نخواهد بود. وظیفه محقق و مصحح باز جستن نسخه‌های اصیل و صحیح است که اغلب با این ویژگیها (یعنی اصالت و صحت)، نفیس و نادر قلمداد می‌شوند. اگر کسی بخواهد کتابی کهن را بر اساس نسخه‌ای مغلوط و متأخر و کم اهمیت چاپ کند و از نسخه‌های قدیمتر و ریشه‌دارتر غفلت نماید، همه‌گونه همکاری با او رواست؛ اما اگر خواستار نسخه‌های نفیس و اصیل شود، باید پیش پای او سنگ انداخت؟!!

چنین وارونه‌کاری و وارونه خوئی، نمونه‌ای از ناسنجیدگی برخی رَونده‌های معمول فرهنگی است. در واقع، کتابخانه‌هایی که نفائس مخطوطات خود را از محققان دریغ می‌دارند، به «زبان حال»، پژوهشگران را به نشر متون سخیف و تحقیق درباره نسخه‌های کم اهمیت و کم ارزش دعوت می‌کنند - بل: سوق می‌دهند. به عبارت دیگر، ملت ایران هزینه گزاف خریداری و نگهداری نسخه‌ها را بر خود هموار می‌دارد و نیاکان و نیکوکاران ما کتابهای ارزشمند را به درهم و دینار فراهم می‌کردند و می‌کنند و به وقف به دست تاریخ می‌سپارند، تا بر اثر کج سلیقه‌ی زید و عمرو،* به جای پیشرفت علم، اسباب رکود و کندی و حتی تنزل دانش و تحقیق فراهم گردد!! زهی افسوس!

چنین رفتارهای وارونه کارانه - با این درونمایه رسوا - ، مایه شرمساری چنان مسؤولان در پیشگاه حقیقت، و به مرور، موجب ضعف و وهن تحقیقات متن‌شناسی در این سرزمین خواهد شد.

ای کاش دیده‌ها گشوده و دلها دیده‌ور گردد و طومار این گونه گنجوربهای تباهی آفرین درنور دیده شود. ای کاش! بعد التحریر

*. دیگر به جای «کج سلیقه‌ی»، نمی‌گوییم: «سود جوئی» و «ویژه خواری». هر چند - مع الأسف - بوده و هستند کتابداران یا مسؤولانی که چون خود قصد دارند روزی با فراغ بال فلان و بهمان نسخه را تصحیح و طبع کنند، آن را از دسترس دیگران دور می‌دارند (بی آنکه شرع یا قانون چنین مولویت و اولویتی را بر ایشان به رسمیت شناخته باشد).

سه نکته و سه نسخه

جواد بشری

۱. پس از آن که استاد دکتر ریاحی برای نخستین بار چاپی مصحح از «جهان نامه» محمد بن نجیب بکران (تألیف در ۶۰۵ هجری) منتشر کردند، نسخه‌های چندی از این اثر - که گمان می‌رفت نسخه آن منحصر به فرد است یافته شد (از جمله نسخه کهن استاد حسن عاطفی و نیز نسخه جدید الکتابت کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی (ره). چنین می‌دانم که استاد ریاحی پس از آن تصحیح، با در اختیار داشتن نسخه‌های دیگر اثر، و باگذشت سالیان دراز و گردآوری یادداشتهای فراوان، دوباره در صدد چاپ کار هستند که امیدوارم هر چه زودتر و بهتر منتشر گردد. غرض از این نوشته، تکرار مکررات نبود بلکه توجه دادن به یادداشت تملکی بود بر روی نسخه‌ای بسیار کهن که گفتم شاید به کار آید.

چنانکه استاد ریاحی حدس زده‌اند (مقدمه جهان نامه ص چهارده) شاید محمد بن نجیب بکران، طوسی باشد (البته مؤلف در ص ۹۴ مطلبی آورده و فعل «آوردن» به کار برده و شاید از این مطلب بتوان استدلال کرد که او مدتی هم در شادباخ نیشابور می‌زیسته). به هر روی بر روی برگ اول نسخه‌ای از کتاب. حلیه الادب و نزهت نومی الالباب از (؟)، که به خط نسخ معرب قرن ۶ هـ

است، یادداشت تملکی از «محمد بن النجیب الطوسی» مورخ ۴ جمادی الاخر ۶۰۷ هـ در کوره «اخلاط» دیده می‌شود. کسی چه می‌داند شاید او مؤلف جهان‌نامه باشد. (ر ک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه خان (یزد - ایران)، سید احمد حسینی اشکوری، مجمع ذخائر اسلامی، قم، ۱۳۸۴، نسخه شماره ۲۸)

۲. در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرحوم آیه الله العظمی بروجردی (ره) که به تازگی به همت استاد احمد حسینی اشکوری تدوین شده و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته، نسخه‌های مهمی در موضوعات مختلف علوم اسلامی قرار دارد که بعضاً بسیار پر اهمیت است. از جمله نسخه‌های مهمی از کتاب‌های رجالی شیعه چون: الرجال برقی مورخ ۸۸۹ هـ، رجال نجاشی مورخ ۹۷۷ هـ، فهرست شیخ طوسی مورخ ۹۷۶ هـ، اختیار معرفة الرجال مورخ ۹۸۲ هـ و ...، نسخه‌ای از ریاض العلماء و حیاض الفضلاهی میرزا عبدالله افندی که در ۱۳۷۴ هـ از روی نسخه سید احمد صفائی خوانساری استنساخ شده، تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبیین از حاکم جشمی (م ۵۴۵ هـ) به خط نستعلیق حاجی حسن بن مظفر بن حاجی حسن الشریف مورخ ۸۶۹ هـ که قبلاً از آن میرزا حسین نوری بوده است و ... نسخه‌ای که معرفی آن، بهانه نوشتن این یادداشت شد نسخه‌ای است از کتابی نادرالوجود از قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ هـ) که گویا منحصر به فرد باشد و تاکنون قرینی برایش یافت نشده - به نام «لب اللباب» که چنانکه از فاضل دانشور جناب آقای ابوالفضل حافظیان بابلی شنیدم تلخیصی است از «الفصول» عبدالوهاب کرامی (در باره این اثر ارزشمند کهن کرامی ر. ک: ارج نامه ایرج ج ۲. مقاله سودمند و درخشان استاد دکتر شفیع کدکنی). اگر این مطلب درست باشد دریچه‌ای تازه را خواهد گشود در بررسی‌های فرقه‌شناسانه به خصوص درباره روابط بین دانشمندان شیعی و کرامی.

۳. در شماره ۳۱ - ۳۰ نشریه آینه میراث، ص ۳۸۵ گفته جناب دکتر نصرالله پور جوادی حاکی از لزوم تصحیح مجدد «بحر الفوائد» نقل شده بود (البته تصحیح مرحوم دانش پژوه بر اساس دو نسخه بوده نه یک نسخه). از کتاب مورد بحث، فعلاً چهار نسخه می‌شناسیم: دو مورد که در تصحیح دانش پژوه لحاظ شده، یکی هم در کتابخانه محمودخان شیرانی بوده که خود آن مرحوم بدان اشاره کرده بود.

یکی هم چنانکه استاد پورجوادی فرموده‌اند در لیدن است و تصویرش در دانشگاه تهران، ر. ک: فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه تهران ج ۳، ص ۶۶، میکروفیلم ۱۳۴۵). در این یادداشت بی‌مناسبت نمی‌دانم لزوم تصحیح مجدد کتاب چند دانشی دیگری را که باز به تصحیح مرحوم دانش پژوه منتشر شده بود مطرح کنم که از آن نسخه‌های فراوانی شناخته شده که قبلاً در کار، لحاظ نشده است: یواقیت العلوم و دراری النجوم.

این اثر قبلاً از روی دو نسخه (ایاصوفیه مورخ ۷۷۱ هـ، سازمان لغت‌نامه دهخدا) چاپ و در کنار آن از جنگ کهن (مورخ ۷۵۰ هـ) کتابخانه مجلس هم استفاده شده بود. اما نسخه‌هایی که در چاپ آینه باید لحاظ شود از این قرار است:

۱ - نسخه بسیار نفیس (قرن ۸ هـ) کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی (ره) به شماره ۶۱۸۰ (فهرست آنجا، ج ۱۶، ص ۱۱۱)

۲ - نسخه کهن (قرن ۸ هـ) کتابخانه مجلس به شماره ۵۹۴۳ (فهرست آنجا، ج ۱۷، صص ۷ - ۳۲۶)

۳ - نسخه قرن یازدهمی کتابخانه گلستان (سلطنتی سابق) که در مقدمه چاپ دوم دانش پژوه بر یواقیت العلوم، صفحه «ز» ذکر آن آمده است.

۴ - نسخه مورخ ۸ هـ ۶۱ هجری کتابخانه ایاصوفیه که باز خرد مردم دانش پژوه در همان جا بدان اشاره کرده است.